

پژوهشنامه حج و زیارت

سال دوم، شماره سوم

بهار و تابستان ۱۳۹۶

صفحات ۵۶-۳۳

بازپژوهشی در اعمال مسجد کوفه و سهله

مهدی ساجدی*

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی فقهی- حدیثی اعمال مسجد کوفه و سهله پرداخته و نحوه انجام دادن اعمال عبادی را در این دو مسجد شریف، به معنای دخیل بودن مکانی خاص از مسجد در صحت یا کمال عمل، بازپژوهی کرده است. تنبیه در روایات مربوط به این دو مسجد نشان می‌دهد در خصوص مکان‌های معینی از مسجد کوفه، اعمال و ادعیه‌ای با نص صحیح یا معتبر وارد شده که بیانگر توجه و اهمیت عبادت در آن مکان نزد امام معصوم بوده و ارشاد به این مطلب است که انجام دادن عبادت در این مواضع، در کمال عمل عبادی و بهره‌مندی از ثواب تام، نقش دارد. اما در مورد قسمت‌های دیگر مسجد کوفه و تمامی مسجد سهله، دلیل روشنی بر خصوصیت داشتن موضعی از آنها یافت نشد. همچنین، انجام دادن عبادت در مکان‌های منسوب به انبیا و امامان معصوم علیهم‌السلام در هر دو مسجد شریف، به دو شرط یقینی بودن انتساب و اثبات عبادت مکرر معصوم در آن محل، در کمال عمل دخیل است و اقتدا به سیره عملی معصومین علیهم‌السلام محسوب می‌شود. اما در صورت اثبات نشدن عبادت مکرر معصومین علیهم‌السلام در آن محل و با فرض یقینی بودن انتساب، عبادت کردن در خصوص آن موضع، تنها از باب تبرک جستن به آن مکان، توجیه پذیر است.

واژه‌های کلیدی: مسجد، کوفه، سهله، کمال عبادت، ثواب کامل.

* عضو گروه فقه و حقوق پژوهشکده حج و زیارت. (mehdisajedi85@yahoo.com)

مقدمه

در دیدگاه شریعت اسلام، مسجد دارای جایگاه مقدس و بلندی است و روایات فراوانی در ارتباط با ثواب و فضیلت احترام به مسجد (برقی، ۱۳۷۱ق، ص ۵۴) و لزوم رعایت شأن (همان، ۱۳۷۱ق، ص ۵۵) آن وارد شده است. اما مطابق با روایات، برخی از مساجد، مانند مسجد کوفه و سهله، فضیلت بیشتر و جایگاه رفیع تری دارند که برای نمونه می توان به روایت هارون بن خارجه از امام صادق علیه السلام در ارتباط با مسجد کوفه اشاره کرد. در این روایت، حضرت به هارون فرمودند:

... هیچ بنده نیکوکار و پیامبری نیست، مگر اینکه در این مسجد نماز گزارده است. حتی جبرئیل علیه السلام در شب معراج به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه داشت: «ای رسول خدا، آیا می دانی هم اکنون کجا هستی؟ مقابل مسجد کوفه هستی». حضرت به جبرئیل فرمودند: «از پروردگرم اجازه بگیر تا در این مسجد نماز گزارم». جبرئیل از خداوند متعال کسب اجازه کرد و خداوند اجازه فرمود. همانا طرف راست، میانه و انتهای مسجد، باغی از باغ های بهشت است و نماز واجب در این مسجد، برابر با هزار نماز، و نماز مستحب، برابر با پانصد نماز است و نشستن در این مسجد بدون تلاوت قرآن و ذکر نیز عبادت است و اگر مردم از فضیلت این مسجد باخبر بودند، با کشیدن خود روی زمین هم که شده به سمت این مسجد می آمدند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۶۵۹).^۱

اما آنچه در این پژوهش دنبال می شود، بررسی فقهی مدارک و مستندات است که اعمال مختص این دو مسجد شریف را بیان می کند و هدف از این بررسی، دستیابی به این است که آیا مدارک و مستندات، صرفاً بر اصل انجام دادن اعمال و بیان فضیلت نماز واجب و مستحب در این دو مسجد دلالت دارد یا به چگونگی انجام دادن این اعمال در محل و موضعی خاص از مسجد نیز نظر دارد؛ به عبارت دیگر آیا از ادله و مستندات می توان چنین استنباط کرد که انجام دادن عبادت و خواندن نماز در مکانی خاص از مسجد، در صحت اعمال و عبادات دخالت دارد یا حداقل

موجب کمال عبادت و استحقاق ثواب تام است؟

بدیهی است چنانچه از روایات استفاده شود که انجام دادن عبادات مختص به این دو مکان شریف، در هر جایی از مسجد، موجب بهره‌مندی از ثواب کامل و فضیلت‌هایی است که در روایات ذکر شده، به حرج افتادن زوار عتبات برای انجام دادن این اعمال در محل‌های مشخص شده در مسجد، بی‌وجه است. به هر روی ابتدا مدارک و مستندات را درباره مسجد کوفه بررسی می‌کنیم:

مسجد کوفه

روایاتی که در مورد این مسجد شریف وارد شده است، در چند دسته قرار می‌گیرند:

دسته اول: روایات بیانگر فضیلت مسجد

از جمله این روایات می‌توان به روایت اسماعیل بن زید از امام صادق علیه السلام اشاره کرد. بر اساس این روایت، حضرت چنین نقل می‌کنند که شخصی قصد مسافرت و زیارت مسجدالاقصی را داشت و برای خداحافظی خدمت حضرت علی علیه السلام رسید. اما حضرت فضیلت و برتری مسجد کوفه را بر مسجدالاقصی یادآور شد و فرمود: «مرکبت را بفروش و از توشه‌ات استفاده کن و در این مسجد نماز بخوان؛ چون ثواب اقامه نماز واجب در این مسجد، معادل حج مقبول و ثواب اقامه نافله، معادل عمره مقبول است». حضرت، در ادامه روایت، به بیان برخی از خصوصیات مسجد می‌پردازند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۹۲).^۲

دسته دوم: روایات بیانگر فضیلت یا حکم شرعی نماز یا اعتکاف در این مسجد از بین روایات فراوان که در این دسته قرار می‌گیرند می‌توان به دو روایت عبدالحمید، خادم اسماعیل بن جعفر (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۸۷)، و حلبی از امام صادق علیه السلام اشاره کرد (همان، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۶۷۵).^۳ روایت اول، به تمام بودن

نماز در این مسجد اشاره دارد و روایت دوم، حکم اعتکاف در این مسجد و چند مسجد دیگر را بیان می‌کند. همچنین در مقدمه، به روایتی اشاره شد که فضیلت نماز در این مسجد را بیان می‌کرد.

دسته سوم: روایات بیانگر وقوع حوادث تاریخی در گذشته و آینده، قضاوت‌های امیرالمؤمنین، علی علیه السلام، و تغییر سازه و محدوده در این مسجد

در بین روایات این دسته، برای نمونه می‌توان به روایت ابو عبیده از امام باقر علیه السلام در ارتباط با حوادث تاریخی واقع در این مسجد (همان، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۶۶۶) و روایت جابر از امام باقر علیه السلام درباره قضاوت حضرت امام امیرالمؤمنین، علی علیه السلام در مسجد (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۲۰. همچنین ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۷۱-۳۷۳)،^۵ و روایت علی بن مهزیار - که با سند خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده است - در مورد محدوده مسجد، اشاره کرد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۵۵).^۶

دسته چهارم: روایات بیانگر مکان و موضعی از مسجد که به دلیلی مورد توجه معصومین علیهم السلام بوده است یا آنان در آن مکان نماز خوانده‌اند. از آنجا که بحث اصلی در این پژوهش به این دسته از روایات اختصاص دارد، لازم است هر یک از روایات این دسته، به تفصیل بررسی شود.

۱. روایات مربوط به باب الفیل یا باب الثعبان

در کتاب المزار الکبیر درباره فضیلت ورود به مسجد کوفه از این در، از حضرت امام امیرالمؤمنین، علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: «از باب اعظم (در بزرگ) به مسجد جامع کوفه داخل شو؛ چرا که باغی از باغ‌های بهشت است (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۶۱. همچنین ر.ک: شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۲۳۰؛ مفید، ۱۴۳۴ق، ص ۳۵۵).^۷ البته ابن مشهدی در کتاب خود سندی را برای این روایت، ذکر نکرده است. فقهای قبل و بعد از ایشان، نظیر شیخ مفید رحمته الله، شهید اول رحمته الله و علامه مجلسی رحمته الله،

نیز در کتبی حدیثی یا کتبی که در باب مزارات نگاشته‌اند، به همین شیوه (نقل حدیث بدون بیان سند) - که ظاهراً برخی از این نقل‌ها از کتاب المزار الکبیر ابن مشهدی برگرفته شده است - اکتفا کرده و بر اساس آن، فضیلت ورود به مسجد از این در را متذکر شده‌اند (کلینی، ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۵۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۴۰۹).

در بین روایات نقل شده از مجامع روایی معتبر شیعی نیز تنها صحیحه سفیان بن سمط از امام صادق علیه السلام است که بیان می‌کند آن حضرت از این در به مسجد وارد شده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۶۶۴).^۸

با توجه به آنچه بیان شد، به نظر می‌رسد استحباب ورود به مسجد از این در، قابل اثبات نیست؛ مگر بر مبنای اعتماد به روایتی که مؤلف کتاب المزار الکبیر یا شیخ مفید نقل کرده‌اند. همچنین صحیحه سفیان بن سمط به تنهایی نمی‌تواند دال بر استحباب ورود به مسجد از این در باشد؛ مگر اینکه اثبات شود حضرت امام صادق علیه السلام یا دیگر معصومین علیهم السلام دائماً از این در به مسجد وارد می‌شده و بر ورود از این در تأکید داشته‌اند.

۲. روایات مربوط به مقام ابراهیم علیه السلام و مقام جبرئیل علیه السلام

امام صادق علیه السلام، در صحیحه سفیان بن سمط، مکان مقام ابراهیم علیه السلام در مسجد کوفه را برای راوی بیان کرده و خود حضرت نیز، مطابق با این نقل، در کنار این مقام به نماز ایستاده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۶۶۴).^۹

همان طور که بیان شد، روایت مزبور، صحیحه است. بنابراین با این روایت، استحباب نماز در کنار مقام ابراهیم علیه السلام و خصوصیت داشتن این محل در بهره‌مندی از فضیلت و ثواب کامل، ثابت می‌شود؛ زیرا اگر عبادت در این موضع از مسجد، فضیلت و ثواب مضاعفی نمی‌داشت، بیان موقعیت دقیق این قسمت از سوی امام علیه السلام و ایستادن ایشان به نماز در این مکان، بدون وجه می‌بود. از طرف دیگر در

روایات مشابه نیز به نماز خواندن در کنار این مقام، سفارش شده است. بنابراین عبادت در این موضع از مسجد، تاسی به سیره عملی معصوم علیه السلام، و در کمال عبادت و بهره‌مندی از ثواب تام دخیل است.

در مرفوع ابن اسباط نیز امام صادق علیه السلام موقعیت مقام ابراهیم علیه السلام و مقام جبرئیل علیه السلام را بیان کرده (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۶۶۵؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۳؛ شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۱۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۱۴۴۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۶۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۴۰۶).^{۱۰} و در روایت سهل بن زیاد چنین آمده که حضرت علی علیه السلام پیوسته به فاصله کم از این مکان (مقام ابراهیم علیه السلام) به نماز مشغول بوده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۶۶۳).^{۱۱}

گرچه هیچ یک از دو روایت مزبور، اعتبار سندی ندارد، اما صحیح‌ه سفیان بن سمط می‌تواند قرینه‌ای بر قابل پذیرش بودن محتوای این دو روایت باشد و در این صورت، هر دو روایت، مؤید اهمیت و فضیلت نماز در مقام ابراهیم علیه السلام هستند. روایت منقول از اصبع بن ثباته که به أبو حمزه، محل ستون هفتم (مقام ابراهیم علیه السلام) را نشان می‌دهد و بیان می‌کند این محل، مقام امیرالمؤمنین علیه السلام است و امام مجتبی علیه السلام، در زمان حضور حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد، نزد ستون پنجم به نماز مشغول می‌شد و هنگام نبود آن حضرت، به جای ایشان کنار ستون هفتم نماز می‌خواند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۶۶۵؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۳؛ شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۱۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۱۴۴۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۶۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۴۰۶).^{۱۲}

در سند این روایت، ابواسماعیل سراج قرار دارد. وی عبدالله بن عثمان است که در رجال برقی، از اصحاب امام صادق علیه السلام به شمار آمده است (برقی، ۱۳۸۳ش، ص ۲۲). اما در مورد وی از سایر رجالیان، مدح یا ذمی ثبت نشده است. البته ممکن است به دلیل نقل روایتش از فردی مثل معاویه بن وهب و نقل اسماعیل بن بزیع از وی، که هر دو از بزرگان امامیه و ثقه و جلیل‌القدرند، بتوان این روایت را پذیرفت

و در نهایت، این روایت، مؤید روایاتی خواهد بود که بیانگر اهمیت مقام ابراهیم علیه السلام و مقام جبرئیل علیه السلام در مسجد است.

روایت ابن محبوب از ابو حمزه ثمالی که عبادت امام سجاد علیه السلام را در کنار ستون هفتم (مقام ابراهیم علیه السلام) نقل می کند (شیخ صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۳۱۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۶۴).^{۱۳}

این روایت، به دلیل ناشناخته بودن سه تن از روات آن، ضعیف است. اما از آنجا که در متن روایت، دعایی از امام سجاد علیه السلام نقل شده که صدور آن از انسان عادی بعید و بلکه غیر ممکن است، باید گفت این روایت، از جمله روایاتی است که متن آن، سندش را تصدیق می کند. به هر روی اگر این روایت پذیرفته شود، باز هم تأکیدی بر اهمیت مقام ابراهیم علیه السلام به شمار می آید.

سفارش امام صادق علیه السلام به بعضی از اصحاب در مورد خواندن نماز در کنار مقام ابراهیم علیه السلام در مسجد کوفه، به نقل از شهید اول علیه السلام.^{۱۴}

جناب شهید علیه السلام سند روایت مزبور را نقل نکرده و ظاهراً بر نقل جناب مشهدی علیه السلام در کتاب المزار الکبیر یا نقل شیخ مفید علیه السلام اعتماد کرده است. اما بر فرض قبول روایت، اهمیت مقام ابراهیم علیه السلام در این مسجد و اهمیت اقامه نماز در کنار آن، در کلام امام صادق علیه السلام مورد تأکید قرار گرفته است.

۳. روایات مربوط به توجه و سفارش نسبت به مواضع خاصی از مسجد

روایت حماد بن زید از امام صادق علیه السلام که حضرت، در این روایت، ضمن تأکید فراوان بر توجه به این مسجد، راوی را به قسمت های راست مسجد از طرف ورودی باب کِنده، به جهت قرار گرفتن مقام ابراهیم در این قسمت، سفارش می کند. همچنین در این روایت اشاره شده که وسط مسجد کوفه، محل شروع حرکت و به جریان افتادن کشتی حضرت نوح علیه السلام بوده است (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۲۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۳۹۵).^{۱۵}

این روایت سند صحیحی ندارد ولی تأکید حضرت بر مقام ابراهیم علیه السلام و مقام جبرئیل علیه السلام در این روایت، آن را مشابه روایات معتبری از این دست قرار داده است و از این جهت پذیرش روایت آسان می‌شود.

روایت احمد تبّان از نماز خواندن همراه با حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مسجد کوفه نزدیک به بیت الطشت (طبری، ۱۴۲۷ق، ص ۳۲۲).^{۱۶}

این روایت از اعتبار سندی برخوردار نیست.

دسته پنجم: روایاتی که در آنها انجام دادن نماز یا عبادت در مسجد، به مکان خاصی مقید نشده است

از این دسته می‌توان به روایات ذیل اشاره کرد:

روایت صباح از امام صادق علیه السلام در مورد چگونگی اجرای نماز حاجت در این مسجد (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۱۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۱۳۴).^{۱۷}

این روایت، در زمره روایات ضعیف قرار دارد و به نظر می‌رسد اعتماد محدثینی همچون ابن طاووس رحمته الله و علامه مجلسی رحمته الله و دیگران به آن، از باب قاعده تسامح در ادله سنن باشد؛ و الا اعتماد بر آن خالی از وجه خواهد بود.

روایت ابو حمزه ثمالی در مورد نماز امام سجاده علیه السلام در این مسجد (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۲۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۵۴).^{۱۸}

سند این روایت نیز متشکل از تعداد فراوانی از روایات مجهول است. بدین جهت، روایت قابل اعتمادی نیست؛ هرچند بر فرض پذیرش هم، روایت، چیزی جز اهتمام امام سجاده علیه السلام به این مسجد شریف را بیان نمی‌کند و این مطلب، با سایر روایات دال بر فضیلت مسجد و اهتمام معصومین علیهم السلام به این مسجد، قابل تأیید است.

روایت ابو شعیب خراسانی از امام رضا علیه السلام در مورد استحباب ورود به مسجد کوفه (ابن طاووس، بی تا، ص ۱۰۴-۱۰۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۸۲).^{۱۹}

این روایت نیز گرچه از سند صحیحی برخوردار نیست، از جمله روایاتی است که متن آن تصدیق‌کننده سندش است؛ چه اینکه خبر دادن از فضیلت زیارت اباعبدالله و امیرالمؤمنین علیهما السلام و استفاده این چنینی از دلالت قرآن، و خبر دادن به اینکه این مسجد خانه حضرت نوح علیه السلام بوده، از عهده راوی خارج است و به نظر نمی‌رسد در این دست روایات، انگیزه چندانی برای جعل و نشر اکاذیب نیز وجود داشته باشد.

مسجد سهله

یکی از مسجدهای مهم و بافضیلت کوفه، مسجد سهله یا سهیل است. این مسجد، مطابق با روایات، منزلگاه و عبادتگاه بسیاری از پیامبران، از جمله حضرت ابراهیم علیه السلام، ادريس علیه السلام و خضر علیه السلام، و مورد توجه امامان معصوم علیهم السلام بوده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۶۶۷).^{۲۰} و بر اساس روایت امام صادق علیه السلام، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه پس از ظهور، در آنجا ساکن خواهند شد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۹۵).^{۲۱}

بر خلاف مسجد کوفه، در مورد نماز و عبادت در مکان و موضع خاصی از این مسجد، روایتی وارد نشده و تنها به طور مطلق به نماز خواندن در این مسجد برای برطرف شدن گرفتاری سفارش صورت گرفته است (همان، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۹۴-۴۹۵؛ حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۶۰).^{۲۲} بنابراین قطعاً باید گفت انجام عبادت در هر قسمت از مسجد، موجب بهره‌مندی از فضیلت عبادت در این مسجد شریف است.

اعمال و ادعیه بیان‌شده در ارتباط با برخی از مکان‌های مسجد کوفه و

سهله

در کتاب‌های نگاشته شده در باب زیارت، نظیر المزار شهید اول علیه السلام (شهید اول، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۳۰)، المزار الکبیر شیخ مفید علیه السلام (مفید، ۱۴۳۴ق، ص ۳۵۹، ۳۶۶،

۳۶۹، ۳۷۰ و ۳۷۹)، مصباح الزائر ابن طاووس (ابن طاووس، ۱۴۱۷ق، ص ۷۹، ۸۰، ۸۵، ۹۸ و ۱۰۵) و بحار الانوار علامه مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۴۰۸)، آداب، اعمال و ادعیه گوناگون برای مکان‌هایی در مسجد سهله، مانند مقام امام زین العابدین علیه السلام و مقام امام صادق علیه السلام و، در مسجد کوفه، مانند در ورودی امیرالمؤمنین علیه السلام به مسجد و محل نماز خواندن و قضاوت آن حضرت در مسجد، بیت الطشت و صحن مسجد، نقل شده است که در متون روایی معتبر شیعی در مورد خصوصیت داشتن یا ورود اعمال یا ادعیه خاص در مورد این مکان‌ها، روایت صحیح و قابل اعتمادی دیده نمی‌شود و ظاهراً فقها و محدثین در بیان اعمال و آداب مکان‌های مزبور در این دو مسجد، به نقل کتاب المزار الکبیر ابن مشهدی یا شیخ مفید یا روایاتی که سند ضعیفی دارند، اعتماد کرده‌اند. بنابراین لازم است در مورد این کتاب و انتساب آن به مؤلف، و نیز امکان اعتماد به روایات ضعیف از باب قاعده تسامح در ادله سنن، تحقیق مختصری صورت گیرد.

بررسی کتاب «المزار الکبیر» و مؤلف آن

مطابق با آنچه در الذریعه بیان شده (امین، ۱۴۰۶ق، ج ۲۰، ص ۳۲۴)، مؤلف این کتاب شیخ محمد بن جعفر بن علی بن جعفر المشهدی الحائری است که این کتاب خود، آداب، اعمال و ادعیه وارد در مورد مکان‌های زیارتی مختلف، از جمله مسجد کوفه و مسجد سهله را گردآوری کرده است. در مورد پذیرش مطالب این کتاب و مؤلف آن میان فقها و محدثین، دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه نخست، بر پذیرش کتاب و مؤلف استوار شده است. بر این مبنا، فقها و محدثانی چون شیخ حر عاملی رحمته الله در أمل الآمل (حر عاملی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۵۳)، علامه مجلسی رحمته الله در بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۵)، آقابزرگ طهرانی در الذریعه (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۳۲۴) و سید محسن امین در اعیان الشیعه (امین، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۲۰۲)، مؤلف کتاب را ثقه و قابل اعتماد دانسته و

در انتساب کتاب به مؤلف نیز تردیدی ندارند. مطابق با این دیدگاه، ذکر نشدن سند برای پاره‌ای از اعمال و ادعیه موجود در این کتاب، مشکل‌ساز نیست و به دلیل اعتمادی که به مؤلف وجود دارد، می‌توان اعمال عبادی را با شرایط آن و در مواضع خاص ذکر شده انجام داد و نیز بر مبنای اعتماد بر این کتاب، باید معتقد شویم مواضع خاص از این دو مسجد در کمال عبادت دخیل هستند.

دیدگاه دوم معتقد است مؤلف کتاب، فرد شناخته شده‌ای نیست و اعتبار خود کتاب هم نامعلوم است و انجام دادن اعمال مختص به این دو مسجد شریف، نیازمند ذکر سند روایت و بررسی صحت و سقم آن است. فقهای چون محقق خویی رحمته‌الله را می‌توان از طرفداران این دیدگاه به حساب آورد (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۲). مطابق با این دیدگاه، تنها در مواردی که نص معتبری درباره آنها وجود دارد، می‌توان به تأثیر مکان خاص در کمال عبادت و بهره‌مندی از ثواب کامل قائل شد. اما انجام دادن عبادت در مکان‌های معروف و منتسب به انبیا و امامان معصوم علیهم‌السلام، که نص معتبری بر آن دلالت ندارد، در صورت اثبات صحت و اعتبار انتساب، تنها از باب تبرک جستن توجیه می‌شود و به طور حتم، این مکان‌ها نقشی در صحت یا کمال عبادت ندارند.

در نقد دیدگاه دوم ممکن است گفته شود کتب ادعیه‌ای که اصحاب ائمه علیهم‌السلام تدوین کرده‌اند، بر اثر نوشتن کتب جامع، نسخه‌برداری نشد و از این رو میراث مکتوب در ادعیه و زیارات، به آنچه امروز در دست ماست، منحصر شد. همان‌طور که با تألیف کتاب شریف *مفاتیح الجنان*، کتب ادعیه دیگر از این دست، مانند زاد المعاد مرحوم مجلسی، اقبال سید بن طاووس و بلد الامین مرحوم کفعمی کنار گذاشته شد و اگر این کتاب‌ها بارها چاپ نمی‌شد، شاید تا کنون اثری از آنها نیز باقی نمی‌ماند. از این رو نمی‌توان گفت آنچه در کتب *المزار الکبیر* جناب مشهدی یا اقبال و مانند آن آمده، مستند نبوده است. به‌ویژه که مقدمه این کتب دال بر این

است که اعلام متقدم به اصول اربعمأه دسترسی و اعتماد داشته‌اند و از این رو نیازی به بررسی سند احساس نمی‌کرده‌اند. شاهد بر این مطلب این است که می‌بینیم در کتب اربعه، هزاران روایت از افرادی نقل شده که یا نامشان در کتب رجالی نیامده یا بدون مدح و ذم ذکر شده است. همچنین اینکه در کتب رجالی شیعی مانند کتب رجالی عامه به همه خصوصیات روات واقع در سلسله اسناد، حتی در اسناد مبین احکام الزامی چون وجوب و حرمت، پرداخته نشده، شاهد بر این است که آنان به وثوق خبری و اعتماد بر قرائن، بیش از بررسی وضعیت تک تک روات اهمیت می‌داده‌اند. از این رو در کتب ادعیه اصلاً نیازی به ذکر اسناد نمی‌دیده‌اند. بنابراین اگر بخواهیم بنا را بر اصالة‌السند بگذاریم، باید از بسیاری از ادعیه، مانند دعای کمیل، ابو حمزه، عرفه و...، دست برداریم.

در پاسخ به این نقد باید گفت:

اولاً صرف نسخه‌برداری نشدن، دلیلی بر اعتبار کتاب به حساب نمی‌آید؛ خصوصاً اینکه هم‌اکنون نسخه کتاب المزار الکبیر جناب مشهدی رحمته‌الله یا شیخ مفید رحمته‌الله در دسترس است و در این نسخه‌ها برای برخی اعمال و ادعیه سندی دیده نمی‌شود و این گفته که ممکن است در نسخه‌برداری از این کتاب‌ها سند برخی ادعیه حذف شده باشد، پذیرفتن نیست و مراجعه به کتاب، آن را نفی می‌کند؛ زیرا به نظر می‌رسد روش مؤلفان این دو کتاب در نقل عمده اعمال و ادعیه، اکتفا به عبارت «نقل عن مولانا...» است و حتی در برخی موارد، این مقدار را هم ذکر نکرده و دعا را به ائمه علیهم‌السلام مستند ننموده‌اند.

ثانیاً چنانچه بپذیریم دو مؤلف کتاب المزار الکبیر یعنی جناب ابن مشهدی و شیخ مفید رحمته‌الله بر اصول اربعمأه دسترسی داشته و از این جهت نیازی به ذکر اسناد اعمال و ادعیه احساس نکرده‌اند، این سؤال پیش می‌آید که چرا در مورد برخی اعمال، سند به طور کامل نقل شده است و اعتماد به این اصول سبب نشده رویه

یکسانی در کل کتاب اعمال گردد. از این گذشته با توجه به اینکه مؤلفان کتب اربعه نیز به این اصول دسترسی داشته‌اند و با توجه به تقدم عصر زندگی آنان بر عصر مؤلفان کتب مزار، چرا از برخی ادعیه و اعمال منقول در این کتاب‌ها، در کتب اربعه اثری دیده نمی‌شود.

ممکن است گفته شود: مطابق با روایات «من بلغ» و پذیرش قاعده «تسامح در ادله سنن» و در نتیجه اعتماد به نقل کتاب المزار الکبیر شیخ مفید^{۲۳} یا ابن مشهدی^{۲۴}، می‌توان قائل شد که انجام دادن اعمال عبادی بیان شده در مورد مکان‌های خاصی از دو مسجد کوفه و سهله، با همان کیفیتی که در این کتب آمده، موجب بهره‌مندی از ثواب مضاعف و اکمل است؛ هرچند که در واقع چنین فضیلت یا ثوابی برای انجام دادن اعمال در این مواضع از معصومین^{۲۵} به ما نرسیده باشد.

به دیگر سخن، آنچه مد نظر قائل است، پذیرش این قاعده، و در نتیجه عدول از شرایط حجیت اسناد دال بر این اعمال و ادعیه است؛ به این معنا که با اخبار فاقد شروط حجیت و وثوق، گرچه نمی‌توان اثبات الزام کرد، احکام غیر الزامی قابل اثبات است (ر.ک: خویی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۱۹).

در نقد این سخن، نخست باید مفاد اخبار «من بلغ» را مورد بررسی قرار دهیم.

مفاد اخبار «من بلغ»

محقق خراسانی^{۲۶} در این مورد می‌فرماید:

بعید نیست بعضی از این اخبار، بر استحباب آنچه در موردش ثواب نقل شده، دلالت داشته باشد؛ زیرا صحیحه هشام بن سالم،^{۲۴} ظهور دارد در اینکه اجر، بر خود عملی که از طرف رسول خدا^ص برای آن عمل، ثواب نقل شده است، مترتب می‌گردد (آخوند خراسانی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۹۷).

محقق نائینی^{۲۷} هم درباره مفاد این اخبار، به دو وجه اشاره، و چنین بیان کرده

است:

اولین وجه این است که مفاد این روایات، خبر دادن از فضل خداوند متعال است و نظری به خود عمل و اینکه چگونه واقع شود، نیست و به عبارت دیگر، ممکن است نگاه این روایات، به زمان پس از انجام دادن عمل باشد و اینکه خداوند متعال به جهت فضلی که به بندگان دارد، ثواب عملی را که به شخص رسیده، به او می‌دهد؛ هر چند که قول رساننده ثواب، مطابق واقع نبوده و واقع چنین نباشد. طبق این معنا دیگر این اخبار، به چگونگی عمل قبل از وقوع و مستحب بودن آن نظری ندارد و درصدد تبیین شرایط حجیت خبر واحد، مانند عدالت و ثقه بودن راوی و...، و بیان عدم اعتبار این شرایط در مستحبات نیست و خلاصه، این روایات می‌خواهد ترتب ثواب بر عمل، به دلیل بلوغ ثواب بر آن را بیان کند و شاهد بر این وجه نیز فای تفریع به کار رفته در «فعله» است؛ زیرا ظهور دارد در اینکه عمل، متفرع بر بلوغ ثواب است و عمل مکلف، به دلیل اعتماد بر ثوابی است که برای آن عمل ذکر شده و به او رسیده است و از طرفی، عمل کننده، در صورتی به قول رساننده ثواب اعتماد می‌کند که سخنش واجد شرایط حجیت باشد؛ زیرا اگر قول او واجد شرایط اعتبار نباشد، صحیح نیست که عامل، عملش را به او مستند نماید. بلکه عمل را به انگیزه احتمال موافقت با واقع انجام می‌دهد و این انگیزه با ظهور فای تفریع در متفرع بودن عمل بر بلوغ ثواب، منافات دارد؛ زیرا تفریع، بعد از اعتماد به قول بیان کننده ثواب، و مطابق واقع دانستن آن است. وجه دوم این است که این اخبار می‌خواهد بیان کند بلوغ ثواب در مورد عمل، باعث ایجاد مصلحت در آن و مستحب شدنش می‌گردد و در این صورت، بلوغ ثواب، همچون عروض عناوین ثانویه، مانند ضرر و عسر و نذر و...، موجب حسن و قبح عمل می‌گردد و حکم آن را تغییر می‌دهد و حاصل معنای کلام امام علیه السلام چنین می‌شود: «هنگامی که در مورد عملی، ثواب نقل می‌شود، آن عمل مستحب می‌گردد؛ کما اینکه به واسطه نذر و مانند آن، واجب می‌گردد» (نائینی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۴۱۵).

محقق خوئی رحمته الله نیز وجه دیگری، متفاوت با آنچه گذشت، ارائه کرده و نوشته است: «مفاد این اخبار، ارشاد به حکم عقل به حسن انقیاد و ترتب ثواب بر انجام عملی است که در موردش ثواب نقل شده است؛ هر چند در واقع چنین نباشد»

(خویی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۱۹).

همچنین برخی، مفاد این اخبار را، به دلیل تعارض با ادله حجیت خبر واحد، مردود دانسته و گفته‌اند: «این اخبار با اخباری که می‌گویند لازم است خبر فاسق، کنار گذاشته، و احتمال صدق در آن نادیده گرفته شود، در تعارض است» (انصاری، ۱۴۱۴ق، ص ۱۵۲).

شیخ انصاری رحمته الله علیه این اشکال را چنین پاسخ می‌دهد:

دلیلی که می‌گویند باید خبر فاسق کنار گذاشته شود، اگر اجماع باشد، که در مقام بحث، چنین اجماعی ثابت نیست و اگر آیه نبأ باشد، این آیه به شهادت تعلیل در آن، به وجوب و تحریم اختصاص دارد و نمی‌توان آن را به مقام (روایات دال بر حکم غیر الزامی) تسری داد (همانجا).

در بررسی اقوال مطرح شده و انتخاب قول صحیح باید به چند نکته^{۲۵} توجه کرد:

۱. در برخی از این احادیث، «عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم» یا «عن الله» آمده است و قاعداً در بقیه هم این اضافات مورد لحاظ است و بلوغ «عن الله» یا «عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم» در وقتی است که وصول، از طریق حجت و دلیل معتبر باشد و از آنجا که هیچ دلیلی برای موضوع خود، مصداق نمی‌سازد، بنابراین روایات مزبور، مصداق بلوغ را تعیین نمی‌کند و این جهت را باید از خارج از این روایات، سراغ گرفت و فرض بر این است که بلوغ از طریق حجت باید از طریق علم یا علمی (از قبیل خبر واحد جامع شرایط حجیت از قبیل وثاقت و مانند آن) باشد. بنابراین این روایات به هیچ وجه ناظر به صرف وصول و شنیدن و بلوغ نیست. بلکه ناظر به بلوغی است که «عن الله» یا «عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم» باشد و این، در بلوغ از طریق حجت است؛ حجتی که فارغ از این روایات، حجیت آن ثابت شده است.

۲. در روایاتی که «فا» به کار رفته، هرچند «فا» می‌تواند برای بیان ترتیب باشد، اما از باب غلبه دلالت فای عاطفه بر سببیت یا از باب قدر متیقن در دلالت این

احادیث، باید آن را بر سببیت حمل کنیم و بگوییم: منظور پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت این بوده که به هر کس، از طریق حجت معتبر، برسد که عملی دارای فضیلت و ثواب است و به همین دلیل، آن عمل را انجام دهد، ثواب آن عمل اعطا می‌شود. بنابراین این اخبار بر اعطای ثواب بر طبق ثواب نقل شده، بدون اینکه فاعل از آن خبر داشته باشد (جاهل یا ناسی)، یا بدون اینکه بلوغ، در انگیزه او بر انجام دادن عمل تأثیر داشته باشد، دلالت ندارد.

با توضیحی که گذشت، باید گفت: اخبار «من بلغ» مفادی جز گزینه اولی که محقق نائینی رحمته الله علیه مطرح کرد، ندارد. البته ارشادانگاری این ادله به حکم عقلی حسن انقیاد نیز با کلام محقق نائینی رحمته الله علیه قابل جمع است.

به هر روی با توجه به آنچه بیان شد، اعتماد بر اعمال و ادعیه، با کیفیتی که در کتب تألیف شده در باب مزار آمده، از باب قائل شدن به قاعده «تسامح در ادله سنن» امکان‌پذیر نیست؛ زیرا مفاد روایات «من بلغ»، تصحیح سند ضعیف یا جبران فقدان سند در مستحبات نیست. بنابراین اگر از همان ابتدا و قبل از انجام دادن عمل، در اصل استحباب و صحت و رسیدن به ثواب وعده داده شده برای این اعمال و ادعیه (به دلیل نبود شرایط حجیت در مورد مطالب این کتب) شک و تردید باشد، صحت این اعمال و ثواب انجام دادن به آنها، اثبات نمی‌گردد. از این گذشته در مورد برخی اعمال و ادعیه، در این کتب اصلاً سندی ذکر نشده تا حتی بتوان با قانون تسامح در ادله سنن، آن را پذیرفت.

نتایج

۱. مطابق با روایات، برخی از مساجد، مانند مسجد کوفه و سهله، فضیلت بیشتر و جایگاه رفیع‌تری دارند و معصومین علیهم السلام در مورد رفتن به این مکان‌های شریف و نماز خواندن و عبادت کردن در آنها توصیه‌های فراوانی کرده‌اند.
۲. تتبع در روایات مربوط به این دو مسجد نشان می‌دهد در خصوص مقام

ابراهیم علیه السلام و مقام جبرئیل علیه السلام در مسجد کوفه، اعمال و ادعیه‌ای با نص صحیح یا معتبر وارد شده است که بیانگر اهمیت عبادت در این دو مکان نزد امامان معصوم علیهم السلام بوده و ارشاد به این است که انجام دادن عبادت در این مواضع، در کمال عمل عبادی و بهره‌مندی از ثواب تام، نقش دارد.

۳. در مورد دیگر قسمت‌های مسجد کوفه و تمامی مسجد سهله، دلیل روشنی بر خصوصیت داشتن موضعی خاص یافت نشد. همچنین، انجام دادن عبادت در مکان‌های منسوب به انبیا و امامان معصوم علیهم السلام در هر دو مسجد شریف، به دو شرط یقینی بودن انتساب و اثبات تحقق مکرر عبادت از سوی معصوم علیه السلام در آن محل، در کمال عمل دخیل است و اقتدا به سیره عملی معصومین علیهم السلام محسوب می‌شود. اما در صورت اثبات نشدن تکرار عبادت در آن محل از سوی معصومین علیهم السلام و با فرض یقینی بودن انتساب، انجام دادن عبادت در خصوص آن موضع، تنها از باب تبرک جستن به آن مکان، توجیه‌پذیر است.

۴. در کتاب‌های مربوط زیارت، نظیر المزار شهید اول علیه السلام، المزار الکبیر شیخ مفید علیه السلام، مصباح الزائر ابن طاووس و بحار الانوار علامه مجلسی، آداب، اعمال و ادعیه گوناگون برای مکان‌هایی در مسجد سهله - مانند مقام امام زین العابدین علیه السلام و مقام امام صادق علیه السلام و در مسجد کوفه - مانند در ورودی امیرالمؤمنین علیه السلام به مسجد و محل نماز خواندن و قضاوت آن حضرت در مسجد، بیت الطشت و صحن مسجد - نقل شده است که اثری از آنها در متون روایی دیده نمی‌شود و ظاهراً فقها و محدثان در بیان اعمال و آداب مکان‌های مزبور در این دو مسجد، به نقل کتاب المزار الکبیر ابن مشهدی علیه السلام یا شیخ مفید علیه السلام اعتماد کرده‌اند.

۵. در مورد کتاب المزار الکبیر ابن مشهدی و مطالب مطرح در آن میان فقها و محدثان اختلاف وجود دارد و عده‌ای آن را می‌پذیرند و عده‌ای دیگر آن را نمی‌پذیرند. البته به نظر می‌رسد دیدگاه دوم به واقع نزدیک‌تر باشد و تنها می‌توان

به مطالبی از این کتاب اعتماد کرد که دارای سند صحیح و مقبولی باشد.

۶. پذیرش مطالب غیر مستند در کتاب المزار الکبیر ابن مشهدی رحمته الله علیه یا شیخ مفید رحمته الله علیه با تمسک به قاعده «تسامح در ادله سنن»، با توجه به تفسیر مقبولی که از ناحیه محقق نائینی رحمته الله علیه در مورد مفاد اخبار «من بلغ» ارائه شد، امکان پذیر نیست.

پی نوشت ها

۱. مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْخَزَّازِ، عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: قَالَ لِي: «يَاهَارُونَ بْنَ خَارِجَةَ، كَمْ بَيْتِكَ وَبَيْنَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ؟ يَكُونُ مِيلًا؟» قُلْتُ: لَا، قَالَ: «فَقُصِّلِي فِيهِ الصَّلَوَاتِ كُلَّهَا؟» قُلْتُ: لَا، فَقَالَ: «أَمَا لَوْ كُنْتُ بِحَضْرَتِهِ، لَرَجَوْتُ أَلَّا تَفُوتَنِي فِيهِ صَلَاةٌ، وَتَدْرِي مَا فَضَّلَ ذَلِكَ الْمَوْضِعَ؟ مَا مِنْ عَبْدٍ صَالِحٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا وَقَدْ صَلَّى فِي مَسْجِدِ كُوفَانَ حَتَّى أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَمَّا أَسْرَى اللَّهُ بِهِ، قَالَ لَهُ جَبْرِئِيلُ عليه السلام: تَدْرِي أَيْنَ أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّاعَةَ؟ أَنْتَ مُقَابِلُ مَسْجِدِ كُوفَانَ، قَالَ: فَاسْتَأْذَنُ لِي رَبِّي حَتَّى آتِيَهُ، فَأَصَلِّي فِيهِ رَكَعَتَيْنِ، فَاسْتَأْذَنَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - فَأَذِنَ لَهُ، وَإِنْ مِيمَتُهُ لَرَوْضَةٍ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَإِنْ وَسَطُهُ لَرَوْضَةٍ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَإِنْ مُؤَخَّرُهُ لَرَوْضَةٍ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَإِنَّ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ فِيهِ لَتَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ، وَإِنَّ النَّافِلَةَ فِيهِ لَتَعْدِلُ حَمْسِينَ صَلَاةً، وَإِنَّ الْجُلُوسَ فِيهِ بِغَيْرِ تِلَاوَةٍ وَلَا ذِكْرِ لِعِبَادَةٍ، وَلَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِيهِ، لَأَثَرَهُ وَلَوْ حَبِوًّا».
۲. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَالدِ أَبِي فَاطِمَةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ زَيْدِ مَوْلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَيَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَهُوَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، فَرَدَّ عَلَيْهِ فَقَالَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَرَدْتُ الْمَسْجِدَ الْأَقْصَى فَأَرَدْتُ أَنْ أُسَلِّمَ عَلَيْكَ وَأُودِّعَكَ، فَقَالَ لَهُ: وَ أَيْ سَمِيءٍ أَرَدْتُ بِذَلِكَ، فَقَالَ: الْفَضْلُ جُعِلْتُ فِدَاكَ. قَالَ: فَبِعَ رَاغِلَتِكَ وَكُلِّ رَاذَكَ وَصَلِّ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ فِيهِ حَبَّةٌ مَبْرُورَةٌ وَالنَّافِلَةَ عُمُرَةٌ مَبْرُورَةٌ وَالْبَرَكَةَ فِيهِ عَلِيٌّ

أَثْنِي عَشَرَ مِيلًا يَجِئُهُ يَمَنٌ وَبَسَارُهُ مَكْرٌ وَفِي وَسْطِهِ عَيْنٌ مِنْ دُهْنٍ وَعَيْنٌ مِنْ لَبَنٍ وَعَيْنٌ مِنْ مَاءٍ شَرَابٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَعَيْنٌ مِنْ مَاءٍ طَهَّرَ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ سَارَتْ سَفِينَةُ نُوحٍ وَكَانَ فِيهِ نَسْرٌ وَيَغُوثٌ وَيَعْقُوبُ وَصَلَّى فِيهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا وَ سَبْعُونَ وَصِيًّا أَنَا أَحَدُهُمْ وَقَالَ بِيَدِهِ فِي صَدْرِهِ مَا دَعَا فِيهِ مَكْرُوبٌ بِمَسْأَلَةٍ فِي حَاجَةٍ مِنْ الْحَوَائِجِ إِلَّا أَجَابَهُ اللَّهُ وَفَرَّجَ عَنْهُ كَرْبَتَهُ.

۳. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الثَّمَمِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ خَادِمِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: تَبِمُ الصَّلَاةُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ، الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ الْمَسْجِدِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ الْمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ حَرَمِ الْحُسَيْنِ عليه السلام.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ حَمَّادٍ، عَنِ الْحَلْبِيِّ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْاِعْتِكَافِ؟ قَالَ: «لَا يَصْلُحُ الْاِعْتِكَافُ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، أَوْ مَسْجِدِ الرَّسُولِ صلى الله عليه وآله، أَوْ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ، أَوْ مَسْجِدِ بَجَاعَةَ، وَ تَصُومُ مَا دُمْتَ مُعْتَكِفًا».

۴. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ صَالِحِ بْنِ السَّنْدِيِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَيْسِرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحَدَّاءِ، عَنْ أَبِي أُسَامَةَ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: «مَسْجِدُ كُوفَانَ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، صَلَّى فِيهِ أَلْفُ نَبِيٍّ وَ سَبْعُونَ نَبِيًّا، وَ مِيمَتُهُ رَحْمَةٌ، وَ مِيسَرَتُهُ مَكْرٌ، فِيهِ عَصَا مُوسَى وَ شَجَرَةُ يَاقُوتِ بْنِ خَاتَمِ سُلَيْمَانَ، وَ مِنْهُ فَارَ التَّنُورُ، وَ نُجْرَتِ السَّفِينَةِ، وَ هِيَ صُرَّةُ بَابِلَ، وَ مَجْمَعُ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام».

۵. [أَخْبَرَنَا] أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحُسَيْنِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا فَرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَرَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْكَرِيمِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَيُّوبَ، عَنْ

جابر: عن أبي جعفر قال: بيّنا أمير المؤمنين في مسجد الكوفة إذ أتته امرأة تستعدي علي زوجها، فقضى لزوجها، عليها فغضبت فقالت: والله ما الحق فيما قضيت، ولا تقضي بالسوية، ولا تعدل في الرعية، ولا قضيتك عند الله بالرضية!!! فنظر إليها ملياً - ثم قال: كذبت يا بديهة يا بديهة، يا سلقلة ...

۶. محمد بن أحمد بن يحيى عن عيسى بن محمد عن علي بن مهزيار بإسناد له قال: قال له أبو عبد الله عليه السلام: مسجداً الكوفة آخر السراجين خطه آدم عليه السلام وأنا أكره أن أدخله راجعاً قال قلت فمن غيره عن خطبه قال أما أول ذلك فالطوفان في زمان نوح عليه السلام ثم غيره أصحاب كسرى والنعمان ثم غيره زياد بن أبي سفيان لعنة الله عليه.

۷. روي عن مولانا أمير المؤمنين صلوات الله عليه وسلامته أنه قال: أدخل إلي جامع الكوفة من الباب الأعظم فإنه روضة من رياض الجنة.

۸. قال: فلما كان أيام أبي العباس (سفاح خليفه اول بني العباس)، دخل أبو عبد الله عليه السلام من باب الفيل فتيسر حين دخل من الباب، فصلي عند الأستوانة الرابعة وهي بجذاء الحامسة، فقلت: أفتلك أستوانة إبراهيم عليه السلام؟ فقال لي: «نعم».

۹. محمد بن يحيى، عن محمد بن إسماعيل وأحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن سفيان بن السمط، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: «إذا دخلت من الباب الثاني في ميمنة المسجد، فقد تحس أساطين، وثبتت منها في الظلال، وثلاثة في الصحن، فعند الثالثة مصلي إبراهيم عليه السلام وهي الحامسة من الحائط. قال: فلما كان أيام أبي العباس (سفاح خليفه اول بني العباس)، دخل أبو عبد الله عليه السلام من باب الفيل فتيسر حين دخل من الباب، فصلي عند الأستوانة الرابعة وهي بجذاء

الحامسة، فقلت: أفتلك أستوانة إبراهيم عليه السلام؟ فقال لي: «نعم».

۱۰. علي بن محمد، عن سهل، عن ابن أسباط رفته: عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: «الأستوانة السابعة مما يلي أبواب كندة في الصحن مقام إبراهيم عليه السلام، والحامسة مقام جبرئيل عليه السلام».

۱۱. علي بن محمد، عن سهل بن زياد، عن علي بن أسباط، عن علي بن شجرة، عن بعض ولد ميثم، قال: كان أمير المؤمنين عليه السلام يصلي إلي الأستوانة السابعة مما يلي أبواب كندة، وبينه وبين السابعة مقدار ممر عنز.

۱۲. محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن أبي إسماعيل السراج، قال: قال معاوية بن وهب وأخذ بيدي، وقال لي أبو حمزة وأخذ بيدي، قال: وقال لي الأصبغ بن نباتة وأخذ بيدي، فأراني الأستوانة السابعة، فقال: هذا مقام أمير المؤمنين صلوات الله عليه، قال: وكان الحسن بن علي عليه السلام يصلي عند الحامسة، فإذا غاب أمير المؤمنين عليه السلام صلي فيها الحسن عليه السلام وهي من باب كندة.

۱۳. حدثنا محمد بن علي بن الفضل الكوفي رضوان الله عليه قال حدثنا أبو جعفر محمد بن عمار القطان قال حدثني الحسين بن علي بن الحكم الرعفراني قال حدثنا إسماعيل بن إبراهيم العبدي قال حدثني سهل بن زياد الأديمي عن ابن محبوب عن أبي حمزة الثمالي قال: دخلت مسجد الكوفة فإذا أنا برجل عند الأستوانة السابعة قائماً يصلي يحسن ركوعه وسجوده فجلست لأنظر إليه، فسبقتني إلى السجود، فسמעته يقول في سجوده: اللهم إن كنت قد عصيتك فقد أظمتك في أحب الأشياء إليك وهو الإنسان بك متاً منك به علي لا متاً به مني عليك ... ثم انقل وخرج من باب

كُنْدَةَ فَبَعِثْتُهُ حَتَّى آتَى مُنَاخَ الْكَلْبِيِّينَ فَمَرَّ بِأَسْوَدَ فَأَمَرَهُ بِشَيْءٍ لَمْ أَفْهَمُهُ فَقُلْتُ: مَنْ هَذَا؟ فَقَالَ: هَذَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَقُلْتُ: جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ، مَا أَقْدَمَكَ هَذَا الْمَوْضِعَ، فَقَالَ: الَّذِي رَأَيْتَ.

١٤. رُوِيَ عَنْ مَوْلَانَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِيَعْبُضَ أَصْحَابِهِ يَا فُلَانُ إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ مِنَ الْبَابِ الثَّانِي عَنْ مَيْمَنَةِ الْمَسْجِدِ فَعُدَّ خَمْسَةَ أَسَاطِيرَ اثْنَتَيْنِ مِنْهَا فِي الظَّلَالِ وَ ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي صَحْنِ الْحَائِطِ فَصَلِّ هُنَاكَ فَعِنْدَ الثَّالِثَةِ مُصَلِّي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هِيَ الْخَامِسَةُ مِنَ الْمَسْجِدِ رَكَعَتَيْنِ . . .

١٥. وَ بِالْإِسْتِاذِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا ذُبَيْانُ بْنُ حَكِيمٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَيْدٍ الْحَارِثِيُّ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْبَيْتُ غَاصٌّ مِنَ الْكُوفِيِّينَ، فَسَأَلَهُ رَجُلٌ مِنْهُمْ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي نَاءٌ عَنِ الْمَسْجِدِ وَ لَيْسَ لِي نِيَّةُ الصَّلَاةِ فِيهِ، فَقَالَ: آتِهِ، فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِيهِ لَأَتَوْهُ وَ لَوْ حَبَوًّا، قَالَ: إِنِّي أَشْتَعِلُ، قَالَ: فَأْتِهِ وَ لَا تَدَعُهُ مَا أَمْكَنَكَ وَ عَلَيْكَ بِمِيَامِنِهِ مِمَّا يَلِي أَبْوَابَ كُنْدَةَ، فَإِنَّهُ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ، وَ عِنْدَ الْخَامِسَةِ مَقَامُ جَبْرِئِيلَ، وَ الَّذِي تَنْسِي بِبِيَدِهِ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مِنْ فَضْلِهِ مَا أَعْلَمَ لَأُذْخَمُوا عَلَيْهِ بِجَارِ الْأَنْوَارِ.

١٦. وَ مِنْهَا: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَرَمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنُ مُوسَى التَّلْعَكَبَرِيُّ، عَنْ أَبِي عَلِيٍّ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ الْفَزَارِيِّ، عَنْ أَبِي عَقِيلَةَ، عَنْ أَحْمَدَ التَّبَّانِ قَالَ: كُنْتُ نَائِمًا عَلَيَّ فَرَأَيْتُهُ فَمَا حَسَسْتُ إِلَّا وَ رَجُلٌ قَدْ رَفَسَنِي بِرَجْلِهِ، فَقَالَ لِي: لَيْسَ هَذَا مِنْ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ! فَقَمْتُ فَرَعَا، فَلَمَّا رَأَيْتُ فَرَعَا ضَمَّنِي إِلَى صَدْرِهِ، فَالْتَفَتَ فَإِذَا أَنَا بِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: يَا أَحْمَدُ، تَوْضَأُ لِلصَّلَاةِ، فَتَوْضَأْتُ، وَ أَخَذَ بِيَدِي وَ أَخْرَجَنِي مِنْ بَابِ دَارِي،

وَ كَانَ بَابَ الدَّارِ مَغْلَقًا، مَا أُدْرِي مِنْ أَيْنَ أَخْرَجَنِي، فَإِذَا أَنَا بِنَاقَةٍ مَعْقَلَةٍ لَهُ، فَحَلَّ عَقَالَهَا، وَ أُرْدَفَنِي خَلْفَهُ، وَ سَارَ بِي غَيْرَ بَعِيدٍ، فَأَنْزَلَنِي وَ نَزَلَ مَوْضِعًا، فَصَلَّى [بِي] أَرْبَعًا وَ عَشْرِينَ رَكَعَةً، ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَحْمَدُ، أَ تَدْرِي فِي أَيِّ مَوْضِعٍ أَنْتَ؟ قُلْتُ: اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ ابْنُ رَسُولِهِ أَعْلَمُ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا قَبْرُ جَدِّي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. ثُمَّ رَكِبَ وَ أُرْدَفَنِي خَلْفَهُ وَ سَارَ غَيْرَ بَعِيدٍ، حَتَّى آتَى الْكُوفَةَ [وَ إِنَّ الْكَلَابَ وَ الْحُرْسَ لِقِيَامًا، مَا مِنْ كَلْبٍ وَ لَا حَارِسٍ يَبْصُرُ شَيْئًا] فَأَدْخَلَنِي الْمَسْجِدَ وَ إِنِّي لَا أَعْرِفُهُ وَ أَنْكَرُهُ، فَصَلَّى بِي سَبْعَ عَشْرَةَ رَكَعَةً، ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَحْمَدُ، أَ تَدْرِي أَيْنَ أَنْتَ؟ قُلْتُ: لَا. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا مَسْجِدُ الْكُوفَةِ وَ هَذِهِ الطُّشْتُ.

١٧. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو نَصْرِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمُقْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي شَيْخٌ مِنْ أَصْحَابِنَا يُعْرَفُ بِعَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ: حَدَّثَنِي صَبَّاحُ الْهَدَاءِ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى حَاجَةٌ فَلْيَقْصِدْ إِلَى مَسْجِدِ الْكُوفَةِ، وَ لِيَسْبِغْ وَضُوءَهُ وَ يَصَلِّيَ فِي الْمَسْجِدِ رَكَعَتَيْنِ، يَفْرَأُ فِي كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ سَبْعَ سُورٍ مَعَهَا، وَ هُنَّ (الْمُعَوَّذَاتِنِ) وَ (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) وَ (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) وَ (إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ) وَ (سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى) وَ (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ)، فَإِذَا فَرَّغَ مِنَ الرَّكَعَتَيْنِ وَ تَشَهَّدَ وَ سَلَّمَ، سَأَلَ اللَّهُ حَاجَتَهُ، فَإِنَّهَا تُقْضَى بِعَوْنِ اللَّهِ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

١٨. حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتِّ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُدَيْدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي خَيْرَةَ التُّهَالِيِّ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ٧ آتَى مَسْجِدَ الْكُوفَةِ عَمْدًا مِنَ الْمَدِينَةِ فَصَلَّى

فیه رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ جَاءَ حَتَّى رَكِبَ رَاحِلَتَهُ وَأَخَذَ الطَّرِيقَ.

۱۹. أَخْبَرَنِي الْوَزِيرُ السَّعِيدُ نَصِيرُ الدِّينِ قَدَسَ اللهُ رُوحَهُ، عَنْ وَالِدِهِ، عَنِ السَّيِّدِ فَضْلِ اللهِ، عَنْ ذِي الْفَقَارِ، عَنِ الطُّوبِيِّ عَنِ الْمَفِيدِ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَكْرَانَ النَّقَّاشُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ الْمَالِكِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هِلَالٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو شُعَيْبٍ الْحَرَّاسِيُّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام: أَيْبَا أَفْضَلُ؟ زِيَارَةُ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَوْ زِيَارَةُ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: إِنَّ الْحُسَيْنَ قُبِلَ مَكْرُوبًا فَحَقَّقَ عَلَيَّ اللهُ جَلَّ ذِكْرُهُ أَنْ لَا يَأْتِيَهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا فَرَّحَ اللهُ كَرْبَهُ وَفَضَّلَ زِيَارَةَ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَلَيَّ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ كَفَضْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَلَيَّ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: ثُمَّ قَالَ: أَيْنَ تَسْكُنُ؟ قُلْتُ: الْكُوفَةَ، قَالَ: إِنَّ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ بَيْتُ نُوحٍ عليه السلام، لَوْ دَخَلَهُ رَجُلٌ مِائَةَ مَرَّةً لَكَتَبَ اللهُ لَهُ مِائَةَ مَغْفِرَةٍ لِأَنَّ فِيهِ دَعْوَةَ نُوحٍ عليه السلام حَيْثُ قَالَ: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا» قَالَ: قُلْتُ: لِمَنْ عَنِي بِوَالِدِيهِ قَالَ آدَمَ وَحَوَّاءَ.

۲۰. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي دَاوُدَ، عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ أَبَانَ، قَالَ: دَخَلْنَا عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام، فَسَأَلْنَا: «أَفِيكُمْ أَحَدٌ عِنْدَهُ عِلْمٌ عَمِّي زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ؟» فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: أَنَا عِنْدِي عِلْمٌ مِنْ عِلْمِ عَمِّكَ، كُنَّا عِنْدَهُ ذَاتَ لَيْلَةٍ فِي دَارٍ مُعَاوِيَةَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَنْصَارِيِّ إِذْ قَالَ: انْطَلِقُوا بِنَا نَصَلِّي فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: «وَفَعَلْ؟» فَقَالَ: لَا، جَاءَهُ أَمْرٌ، فَسَخَّلَهُ عَنِ الذَّهَابِ، فَقَالَ: «أَمَا وَاللَّهِ، لَوْ أَعَادَ اللهُ بِهِ حَوْلًا، لَأَعَادَهُ، أَمَا عَلِمْتُ أَنَّهُ مُوضِعُ بَيْتِ إِدْرِيسَ النَّبِيِّ عليه السلام الَّذِي كَانَ يَخِيضُ فِيهِ، وَمِنْهُ سَارَ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام إِلَى الْيَمَنِ بِالْعَمَلِ لِقَةِ، وَمِنْهُ سَارَ دَاوُدُ إِلَى جَالُوتَ، وَإِنَّ فِيهِ لَصَخْرَةً خَضْرَاءَ، فِيهَا مِثَالُ كُلِّ نَبِيٍّ، وَمِنْ تَحْتِ تِلْكَ الصَّخْرَةِ أُخِذَتْ طِينَةٌ كُلُّ نَبِيٍّ، وَإِنَّهُ لَمُنَاحُ الرَّاكِبِ». قِيلَ: وَمَنْ الرَّاكِبُ؟ قَالَ:

«الْحَضْرُ عليه السلام».

۲۱. مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عُثْمَانَ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام وَذَكَرَ مَسْجِدَ السَّهْلَةِ فَقَالَ أَمَا إِنَّهُ مَنْزِلُ صَاحِبِنَا إِذَا قَامَ بِأَهْلِهِ.

۲۲. عَنْهُ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ بَكْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَعِيدِ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ: بِالْكُوفَةِ مَسْجِدٌ يُقَالُ لَهُ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ لَوْ أَنَّ عَمِّي زَيْدًا أَتَاهُ فَصَلَّى فِيهِ وَاسْتَجَارَ اللهُ لِأَجَارِهِ عَشْرِينَ سَنَةً فِيهِ مُنَاحُ الرَّاكِبِ وَبَيْتُ إِدْرِيسَ النَّبِيِّ عليه السلام وَمَا أَتَاهُ مَكْرُوبٌ قَطُّ فَصَلَّى فِيهِ بَيْنَ الْعِشَاءِ بَيْنَ وَدَعَا اللهُ إِلَّا فَرَّحَ اللهُ كَرْبَتَهُ.

مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الطَّيَالِسِيِّ، عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ قَالَ: قَالَ: قَالَتْ لِي أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: «نُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ الَّذِي عِنْدَكُمْ الَّذِي تُسَمُّونَهُ مَسْجِدَ السَّهْلَةِ، وَنَحْنُ نُسَمِّيهِ مَسْجِدَ الشَّرِيِّ؟». قُلْتُ: إِنِّي لَأُصَلِّي فِيهِ، جُعِلَتْ فِدَاكَ. قَالَ: «أَتَيْتِهِ، فَإِنَّهُ لَمْ يَأْتِهِ مَكْرُوبٌ إِلَّا فَرَّحَ اللهُ كَرْبَتَهُ - أَوْ قَالَ: قَضَى حَاجَتَهُ - وَفِيهِ زَبْرُجَدَةٌ فِيهَا صُورَةٌ كُلِّ نَبِيٍّ وَكُلِّ وَصِيٍّ».

۲۳. مزار محمد بن المشهدي: الموجود في خزانة كتب الشيخ علي بن محمد رضا آل كاشف الغطاء بالنجف، والمبرز محمد علي الأردوبادي أيضا بالنجف، وغيرهما عبر عنه المجلسي في البحار بالمزار الكبير وكان عند شيخنا النوري وينقل عنه في مستدرک الوسائل وذكر شرح اعتباره في خاتمة المستدرک واستظهر من بعض القرائن، أنه للشيخ محمد بن جعفر بن علي بن جعفر المشهدي الحائري الراوي عن أبي الفضل شاذان بن جبرئيل القمي، وروي أيضا عن المفيد بواسطتين وهو سند عال أوله: [الحمد لله القديم إحسانه الظاهر امتنانه العالي سلطانه فإني قد جمعت

۶. ابن طاووس، عبدالکریم بن احمد (بی تا).
فرحة الغری فی تعیین قبر أمير المؤمنين
على بن أبی طالب علیه السلام فی
النجف، قم، منشورات الرضى.
۷. ابن طاووس، على بن موسى (۱۴۱۷ق).
مصباح الزائر، قم، مؤسسه آل البيت.
۸. ابن قولويه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش).
کامل الزیارات، محقق و مصحح:
عبدالحسین امینى، نجف اشرف، دار
المرتضوية.
۹. برقى، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق). تحقیق
و تصحیح: جلال الدين محدث، قم، دار
الکتب الإسلامية.
۱۰. _____ (۱۳۸۳ش). رجال
البرقى، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق).
وسائل الشیعه، تحقیق و تصحیح: مؤسسه
آل البيت علیه السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۱۲. _____ (۱۳۸۵ق). امل الامل،
بغداد، نجف، مکتبه الأندلس.
۱۳. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق).
شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق
و تصحیح: محمدباقر محمودی، تهران،
التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی،
مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.
۱۴. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق).

فی کتابی هذا من فنون الزیارات للمشاهد و ما ورد فی
الترغیب فی المساجد المبارکات و الأدعية المختارات و
ما یدعی به عقیب الصلوات مما اتصلت به من ثقات
الرواة التمسه منی الحضرة السامية القضوية المجدية
أبي القاسم هبة الله بن سليمان].

۲۴. أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ
الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَيْءٌ مِنْ الثَّوَابِ
فَعَمِلَهُ كَانَ أَجْرٌ ذَلِكَ لَهُ وَإِنْ كَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
يَقُلُّهُ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۸۱)

۲۵. نکات مطرح شده، برگرفته از درس خارج
استاد علیدوست حفظه الله در بحث برائت و
اخبار «من بلغ» است.

فهرست منابع

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین
(۱۴۲۴ق). کفایة الاصول، قم، مؤسسه
نشر اسلامی.
۲. آقابزرگ طهرانی، محمدحسن (۱۴۰۸ق).
الذریعة إلى تصانیف الشیعة؛ قم،
اسماعیلیان.
۳. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق).
المزار الكبير، تحقیق: جواد القیومی
الاصفهانى، قم، القیوم.
۴. امین، سید محسن (۱۴۰۶ق). أعيان الشیعة،
بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۵. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۴ق).
رسائل فقهية، قم، کنگره شیخ اعظم.

- قرب الاسناد، تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۱۵. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). **معجم رجال حدیث**، قم، مرکز نشر آثار شیعه.
۱۶. _____ (۱۴۱۷ق). **مصباح الأصول**، قم، کتابفروشی داوری.
۱۷. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق). **المزار**، تحقیق و تصحیح: مدرسه امام مهدی، محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، قم، مدرسه امام مهدی.
۱۸. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶ش). **الامالی**، تهران، کتابچی.
۱۹. طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۷ق). **نوادر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداة**، تحقیق و تصحیح: باسم محمد اسدی، قم، دلیل ما.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). **الامالی**، تحقیق و تصحیح: مؤسسه البعثة، قم، دار الثقافة.
۲۱. _____ (۱۴۰۷ق). **تهذیب الاحکام**، تحقیق و تصحیح: حسن الموسوی خرسان، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۲۲. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق). **کتاب الوافی**، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی عليه السلام.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). **الکافی**، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۲۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). **بحار الانوار**، تحقیق و تصحیح: جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۵. مفید، محمد بن محمد (۱۴۳۴ق). **المزار الكبير**، تحقیق و تصحیح: احمد علی مجید الحلی، قم، مکتبه علامه مجلسی.
۲۶. نائینی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). **فوائد الأصول**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.